

## کاشفیت تحدی قرآن بر امتناع وقوعی آن، براساس محاسبه ریاضی

عبدالرضا سلامی زواره\*

حسن سعیدی\*\*

### چکیده

بی تردید قرآن کریم، به عنوان معجزه مهم و جاوید پیامبر اکرم، همانند هر معجزه‌ای، شرایط خاصی دارد که از جمله آنها «تحدی» یا مبارزه طلبی در هر زمینه‌ای به ویژه محاسبات ریاضی است. این مسئله در این نوشتار با روش تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای بررسی می‌شود که در آن علاوه بر بیان شرایط معجزه (به ویژه تحدی)، به تبیین دیدگاه‌های مختلف در رابطه با علت ناتوانی انسان از آوردن سوره یا کتابی همانند قرآن (به عنوان تحدی) می‌پردازد. مطابق یافته‌های تحقیق، محاسبات ریاضی در خصوص تعداد جملات (فصیح و بلیغ) احتمالی (حاصل از لغات عربی) نشان می‌دهد که علاوه بر دو نظریه «صرفه» (ناتوان شدن انسان توسط خداوند) و دیدگاه مقابله آن (امتناع ذاتی و ناتوان بودن انسان)، دیدگاهی دقیق‌تر است که معتقد به امتناع وقوعی باشد که علت ناتوانایی بشر از آوردن مثل قرآن، درواقع نبودن متنی در حد و اندازه آن است، نه عدم توانایی او و تحدی قرآن کاشف از نبود چنین متنی است.

### واژگان کلیدی

قرآن، تحدی، معجزه، امتناع ذاتی، امتناع وقوعی.

salamialabd@pnu.ac.ir

h-saeidi@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

\*\*. دانشیار گروه حکمت و کلام ادیان و عرفان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

### طرح مسئله

یکی از راههای اثبات نبوت انبیاء (و ائمه<sup>علیهم السلام</sup>)، ارائه معجزه است؛ و این مهم براساس آیات متعدد در قرآن کریم و نیز شواهد تاریخی امری قطعی و مسلم است. در هر زمان و در میان اقوام مختلف، معجزات گوناگونی به دست انبیاء الهی صورت پذیرفته است. در این مقاله ما سعی داریم که به اموری مانند:

- تعریف و شرایط معجزه و تفاوت آن با کرامت یا سحر و...؛
- علت اختلاف معجزات در ادوار مختلف تاریخی و اقوام گوناگون؛
- میزان دوام معجزات در طول تاریخ (از لحاظ تأثیر و تکرار)؛
- تفاوت در میزان اثرگذاری معجزات؛
- امکان تکرار آن (از لحاظ تکوینی)؛
- بررسی علل طبیعی یا غیرطبیعی آن (براساس قانون علیت)؛
- نوع اعجاز در قرآن؛
- بررسی مذهب صرفه و مذهب رایج در میان داشمندان و متكلمان شیعی؛
- عجز مردم در معجزات و بهویژه در قرآن، از نوع امتناع وقوعی است یا ذاتی؛
- بررسی عقلی و ریاضی تعداد جملات فصیح و بلیغ (با کلمات محدود) در زبان عربی؛
- و... بپردازیم.

براساس بررسی‌ها و جستجوهای انجام شده، تاکنون اثری در قالب مقاله، کتاب یا سخنرانی در خصوص موضوع مورد بحث ارائه نشده است و ما در این نوشتار در صدد اثبات دیدگاهی سوم در مقابل دو دیدگاه اصلی مطرح شده (مذهب صرفه و مخالفان آن) در خصوص عجز مردم در برابر تحدی یک معجزه، هستیم.

لازم به ذکر است که ما در صدد اثبات تحدی یا چیزی شبیه آن نیستیم و تنها پس از اثبات معجزه بودن قرآن و قبول تحدی، به تبیین و توضیحی در خصوص این تحدی می‌پردازیم و به تعبیر دیگر استدلال ما جنبه کاشفیت دارد؛ یعنی این تحدی کاشف از آن است که ناتوانی از آوردن مثل قرآن بهدلیل نبودن متنی همانند آن است نه نتوانستن و هر آن متنی که در بالاترین سطح (از هر لحاظ) وجود داشته در این کتاب آمده است.

#### ۱. معجزه و شرایط آن

در کتاب‌های کلامی، شرایط صحت یک عمل به عنوان معجزه، در تعریف آن گنجانده شده است و

به تعبیر دیگر، معجزه عبارت از است جمع تمامی شرایط معجزه در یک عبارت. البته شرایط ارائه شده از سوی دانشمندان و متكلمان از لحاظ تعداد، متفاوت است و علت خردگیری به تعاریف یکدیگر و نیز اختلاف نظر آنها نیز، پذیرش ضرورت یا عدم ضرورت بودن یا نبودن یک یا چند شرط، در اعجاز نامیدن یک عمل است.

بی‌شک بررسی این نوع اختلافات (به‌دلیل ناسازگاری با موضوع مقاله و نیز طولانی شدن مطلب) از موضوع موردبحث خارج بوده و ما به جهت جمع میان دیدگاه‌های مختلف و پرهیز از اشکالات و نقدهای احتمالی، تعریفی را ارائه می‌کنیم که توسط متكلمان ارائه شده و همه شرایط را در بر می‌گیرد. یادآوری این نکته درخور اهمیت است که عدم پذیرش یک شرط از سوی برخی از اندیشمندان به معنای عدم ضرورت آن شرط، به عنوان شرط قبول معجزه بودن یک عمل است نه اینکه آن شرط اضافی باعث ایجاد خللی در تعریف معجزه می‌شود.

براساس دیدگاه منطقیان، تعریف یک واژه باید جامع افراد و مانع اغیار باشد. از این‌رو تعریف باید به‌گونه‌ای باشد که از یک‌سو شامل تمامی انواع معجزات شود و از دیگر اموری مانند کرامت و سحر و... را خارج سازد.

## ۱-۱. تعریف معجزه

### الف) معنای لغوی

معجزه از عجز به معنای کوتاه‌آمدن از امری و یا ترک یک شیء و پرداختن به کار دیگر است:

عَاجَزَ يَعْجِزُ عَنِ الْأَمْرِ إِذَا قَصَرَ عَنْهُ وَ... وَ عَاجَزَ الْقَوْمُ تَرْكَوا شَيْئًا وَ أَخْذَوْا فِي غَيْرِهِ.  
(ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۳۶۹؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۷)

اینکه که کسی عاجز شد یا عاجز می‌شود از چیزی، زمانی اتفاق می‌افتد که آن شخص از آن کار کوتاه‌آمده و منصرف شود.... و عاجز شدن قوم یعنی آن قوم امری را ترک کرده و منصرف شوند و کاری دیگری را پیش گیرند.

اعجاز، مصدر باب افعال و به معنای به ناتوانی کشاندن دیگری است و به همین معنا در قرآن نیز بکار رفته است:

... وَ أَعْلَمُوا أَنْكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ. (توبه / ۲)  
و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد.

### ب) معنای اصطلاحی

در علم کلام معانی مختلف و شرایط متعددی از سوی متکلمان برای «معجزه» ارائه شده است که به جهت اختصار، تعریفی جامع (و حداکثری) از واژه معجزه به همراه شرایطی که عموماً از سوی دانشمندان بیان شده است ارائه می‌کنیم:

«معجزه عملی است «خارق العاده» (در جهت «اثباتی یا سلبی») که دیگران از آوردن آن عاجز بوده و با «اراده و اذن الهی» و بدست نبی (امام) به منظور «اثبات نبوت (امامت)» و صدق «ادعا» او (و مطابق و همزمان با آن ادعا) و در «زمان تکلیف بشر» صورت گرفته و همراه با «تحدى» باشد.» (ر.ک: آمدی، ۱۴۲۳: ۲۱؛ هیتو، ۱۴۲۱: ۳۶۴ – ۳۶۳؛ محمدی، ۱۳۷۸: ۸۳؛ رضایی، ۱۳۸۱: ۱۷ – ۴)

(۲۰۰۳: ۱۴۰؛ شافعی، ۱۴۲۵: ۱۶۸ و ۲۰۱ – ۲۰۰)

در بررسی هر کدام از شروط مذکور و تحلیل واژه‌ای به کاررفته در تعریف فوق می‌توان گفت:

۱. **خارق العاده:** معجزه باید عملی غیرعادی بوده و برای مردم، جدید و شگفت‌انگیز باشد.
۲. **اثباتی یا سلبی:** معجزه می‌تواند عملی اثباتی بوده که قبلاً انجام نشده باشد (تبديل عصا به مار) یا جلوگیری از کاری باشد که همگان قادر به انجام آن هستند (مانند عدم تکلم زکریاء<sup>علیه السلام</sup> به مدت سه روز).
۳. **اراده و اذن الهی:** معجزه عملی است که باید متناسب به حق تعالی بوده با اذن و اراده قاهره او انجام شود (و این به منظور اثبات صدق انتساب نبی به اوست) لذا (برخلاف سحر) همراه با آموزش نیست.
۴. **اثبات نبوت (امامت) و صدق ادعای او:** معجزه علاوه بر اثبات نبوت نبی (امام و رسول)، صدق ادعاهای او را نیز اثبات می‌کند.

۵. **مطابق و همزمان با ادعا باشد:** معجزه نبی، هم باید مطابق با ادعای او بوده و او را تکذیب نکند (مثلاً اگر گفت این عصا مار می‌شود دقیقاً به مار تبدیل شود نه چیزی دیگر یا خلاف آن) و نیز این عمل باید همزمان با ادعای نبوت باشد و مثلاً عملی که قبلاً انجام داده است را دلیل بر نبوت کنونی خود نداد.

۶. **در زمان تکلیف بشر باشد:** به این معنا که در نزدیکی قیامت که زمان تکلیف بشر به پایان رسیده صورت نگیرید زیرا هدف از ارسال نبی و بهترین آن آوردن معجزه توسط او متفق شده است.

۷. **تحدى یا مبارزه طلبی:** معجزه (برخلاف سحر و کرامات و...) با تحدى همراه است و این به دلیل اطمینان از صحت انتساب آن به حق تعالی و اثبات نبوت نبی است. (ر.ک: همان) البته باید اضافه کنیم که، معجزه علاوه بر صدق ادعای نبی و اثبات عصمت او، صحت و صدق خود را نیز به اثبات می‌رساند.

در این راستا توجه به چند نکته ضروری است:

نخست اینکه: اعمال خارق العاده‌ای مانند سحر، قابل تحدى (و ابطال) بوده و همراه با آموزش است و

ساحر، تنها همان موارد آموزش دیده را می‌تواند انجام دهد نه آنچه مردم طلب می‌کنند. علاوه بر اینکه در برخی موارد، سحر، عملی واقعی نیست و تنها تصرف در چشم و نگاه مردم است: «قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُ بِسُحْرٍ عَظِيمٍ؛ مُوسَى گفت شما بیفکنید و هنگامی که [وسایل سحر خود را] افکنند مردم را چشم‌بندی کردند و ترسانیدند و سحر عظیمی به وجود آوردن» (اعراف / ۱۱۶) درحالی که معجزه عملی واقعی است. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۱: ۶۳)

نکته دوم: کرامت‌هایی که توسط اولیا الهی و ائمه<sup>ؑ</sup> و... صورت می‌گیرد هرچند انتسابی الهی و براساس قرب به او انجام شده و عملی واقعی است اما هیچ‌گاه همراه با تحدی و اثبات یا ادعای نبوت یا امامت نیست (همان‌گونه که اموری مانند سحر نیز با این ویژگی همراه نیست). (همان: ۶۵) بنابراین محتمل است دو عمل مشابه از نبی یا امام، صادر شود که یکی همراه با ادعا و تحدی و... است اما دیگری این ویژگی‌ها را نداشته باشد که عمل اول را معجزه و عمل دوم را (که شبیه آن است) کرامت می‌نامند (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۶ - ۳۶۷) البته باید توجه داشت که هر آنچه از غیر پیامبران یا ائمه<sup>ؑ</sup> صادر می‌شود قطعاً کرامت است.

نکته سوم: معجزه، گرچه امری خلاف عادت است اما خلاف عقل و خرد نیست، زیرا امور عقلی یا از محالات است و یا واجبات که هر دو همراه با استدلال هستند اما صورت سوم از احکام عقلی، اموری است جایز، به این معنا که عقل در برابر آنها ساكت بوده و هیچ حکمی ندارد (نه اثباتاً و نه نفیاً) بلکه آن را امری امکانی می‌داند (هرچند نتواند آن را اثبات نماید) و معجزه از این قسم به شمارمی رود. (هیتو، ۱۴۲۱: ۲۱)

نکته چهارم: خلاف عادت بودن یک معجزه باید در زمان اجرای آن باشد بنابراین اگر عملی در زمانی خارق عادت و در زمان‌های آینده براساس پیشرفت‌های علمی، عادی شده باشد بی‌اشکال است.

## ۱-۲. علت اختلاف معجزات

در برخی از روایات توع معجزات انبیا بهدلیل اقتضا زمان و مکان و به تعبیر دیگر نوع پیشرفت آن قوم تبیین شده است؛ به عنوان مثال در زمان حضرت موسی<sup>ؑ</sup>، سحر، در مرحله پیشرفت‌های بود و غلبه داشت لذا معجزه آن حضرت شبیه به آن، اما واقعی و نه تصرف در چشم‌ها «فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ؛ مُوسَى گفت شما بیفکنید و هنگامی که [وسایل سحر خود را] افکنند مردم را چشم‌بندی کردند» (اعراف / ۱۱۶) بوده است؛ به‌گونه‌ای که ساحران به معجزه بودن آن اذعان کرده و ایمان آورده و یا پیشرفت علم پژوهشی در زمان حضرت عیسی<sup>ؑ</sup> اقتضا می‌کرد که ایشان معجزه‌ای مانند زنده کردن مردگان داشته باشد: «وَ أَخْيُ الْمَوْتَىٰ يَأْذِنُ اللَّهُ؛ وَ بِهِ فَرَمَانٌ خَدَا مَرْدَهَّا رَا زَنْدَهٗ مَىْ كَنْم». (آل عمران / ۴۹) و فصاحت و

بلاغت در کلام عرب در زمان رسول الله ﷺ نزول قرآن را می‌طلبید (هرچند اعجاز قرآن تنها در فصاحت و بلاغت آن نیست). (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۶)

#### اقسام معجزه

معجزه را از زوایای مختلف به چند قسم می‌توان تقسیم کرد:

الف) از یک منظر، معجزه یا اقتراحی است (و با درخواست مردم صورت می‌گیرد) یا غیر اقتراحی است (که بدون درخواست مردم است مانند قرآن).

ب) از جهتی دیگر، معجزه را می‌توان به دو قسم حسی (عصای حضرت موسی ﷺ) و عقلی (قرآن) تقسیم کرد.

ج) و بالآخره می‌توان آن را به موقت (مربوط به زمان و مکان خاصی است مثل ناقه صالح) و دائمی یا باقی و جاودان (مربوط به همه زمان‌ها و مکان‌ها مانند قرآن) تقسیم نمود. البته معجزات موقت در صورتی که خبر آن به صورت قطعی (متواتر) به ما رسیده باشد برای ما حجت است اما معجزه دائمی به دلیل وجود کنونی آن، حجیتش نیز نیازی به اخبار مضاعف ندارد. به طور کلی می‌توان گفت که اگر دین یا شریعتی، موقت باشد (مانند شریعت حضرت موسی یا عیسی ﷺ)، معجزه آن هم موقت است و اگر جاودان باشد [حداقل یک] معجزه آن نیز دائمی است (مانند قرآن در دین اسلام). (همان: ۶۷)

۱-۳. میزان دوام معجزات در طول تاریخ (از لحاظ تأثیر و تکرار) و تفاوت در میزان اثرگذاری آنها بی‌تردید میزان دوام معجزات از لحاظ موقتی یا دائمی بودن می‌تواند با میزان تأثیر آنها در زمینه‌های مختلف (زمانی یا تعداد افراد...) مرتبط باشد؛ یعنی معجزات موقت، افراد محدودی را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما معجزه‌ای مانند قرآن، برای همگان و در همه زمان‌ها و مکان‌ها حجت بوده و تأثیرگذار است. پرسش‌های مهمی که در این خصوص می‌توان مطرح کرد عبارت‌اند از:

- آیا تکرار ظاهر یک معجزه، در قالب کرامت امکان‌پذیر است؟

- اگر نمونه‌هایی همانند معجزات انبیاء گذشته (به عنوان کرامت) از سوی اولیاء الهی تکرار شود آیا این حادثه می‌تواند در مورد قرآن نیز صادق باشد؟

- آیا تکرار گزاره‌هایی شبیه آیات قرآن (به عنوان آیه یا سوره) امتناع ذاتی دارد (که در این صورت تکرار آن به صورت کرامت نیز محال است) یا دارای امتناع وقوعی است و عملًا هر آنچه از گزاره‌های فصیح و بلیغ بود نازل شده و نمونه‌ای دیگر عقلاً قابل تکرار نیست و...؟ در ادامه به تبیین این پرسش‌ها و پاسخ‌های آنها خواهیم پرداخت.

## ۱-۴. آیا معجزه تکرارپذیر است؟

براساس دیدگاه بسیاری از اندیشمندان، معجزه انبیا خارج از قانون علیت نیست. به این معنا که معجزه نیز همانند دیگر پدیده‌های عالم خلقت، معلوم بوده و نیازمند علت است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱ / ۷۶ - ۷۴)

اما آیا این علت الزاماً طبیعی و مادی است؟ آیا فقط امری مجرد است و یا می‌تواند ترکیب از این دو باشد؟

یک عمل مادی که در عالم طبیعت محقق می‌شود بی‌تردید دارای علل مادی است؛ اما باید توجه کرد که این علل را نمی‌توان علت تامه نامید و حداکثر، علل ناقصه یک امر طبیعی محسوب می‌شوند. توضیح اینکه اولاً بسیاری از امور که به عنوان علت یک شیء از آنها یاد می‌شود در واقع علل معد و یا شبیه آن هستند (نه علل واقعی) مانند علیت کشاورز در تولید میوه و این نوع علل را نمی‌توان علت ایجادی آن شیء نامید. ثانیاً علت ایجادی و حقیقی یک شیء مادی (علت تامه) از مجموعه‌ای از علل ناقصه تشکیل شده است که برخی از آن مادی و برخی الزاماً مجرد هستند (به این دلیل که هر پدیده مادی که در نظر گرفته شود، معلوم علیت دیگر است و اولین علت در سلسله علل مادی نیز خود علیت غیرمادی دارد بنابراین می‌توان گفت که مجموعه‌ای از علل ناقصه که علت تامه را تشکیل می‌دهد حداقل دارای یک علت مجرد است). ثالثاً در نگاهی دقیق، از آنجایی که علل مجرد نیز دارای فقر وجودی بوده و جملگی محتاج به علت‌العمل هستند بنابراین می‌توان گفت که علت تامه همه مخلوقات در عالم تنها یک علت و آن هم حق تعالی است.

(صرف نظر از مطلب اخیر) هر معلومی می‌تواند علل تامه (علل جایگزینی) مختلفی داشته باشد (مثل اینکه حرارت اتاق می‌تواند بر اثر نور خورشید باشد یا آتش و ...). که این تغییر و جایگزینی در علل تامه براساس تغییر و جایگزینی در علل ناقصه یک سلسله صورت می‌گیرد؛ بنابراین یک حادثه طبیعی که در حالت عادی (غالباً) با علل ناقصه طبیعی محقق می‌شود می‌تواند بر اثر تغییر در علل ناقصه آن و جایگزینی علتهای مجرد به جای علل مادی در کمترین زمان ممکن و به صورت خارق عادت انجام شود و چون این جایگزینی از عهده عموم مردم خارج است آن را به صورت خارق عادت تلقی می‌کنند.

این امور خارق‌العاده بعضاً توسط افرادی که نبی یا رسول نیستند نیز صادر می‌شود مانند عرفا یا اولیاء و یا حتی ممکن است خارق عادت بودن یک پدیده براساس تغییر در برخی علل ناقصه طبیعی (خاص) صورت گیرد (که عموماً در طبیعت رخ نمی‌دهد) مانند عمل برخی از مرتاضان یا سحره و ... .

البته تحقیق برخی از امور خارق‌العاده به دست دیگران را (با توجه به اینکه دیگر شرایط معجزه را ندارد) نمی‌توان معجزه نامید.

در بیانی دقیق‌تر می‌توان گفت که با توجه به پیشرفت‌های علمی، بعضاً یک علت ناقصه (که توسط دانشمندان کشف یا اختراع شده است) می‌تواند جایگزین تعداد زیادی از علل ناقصه‌ای که درگذشته مرسوم بوده قرار گیرد؛ لذا امری که قبلًا در مدت زمان طولانی صورت می‌گرفت یا انجام آن براساس

علوم گذشتگان غیرممکن تلقی می‌شد، امروزه در مدت زمان بسیار کوتاه و به صورت شگفت‌انگیزی محقق می‌شود به طوری که اگر این عمل کنونی را به صورت ناگهانی دهها یا صدها سال به عقب برگردانیم، مردمان آن زمان این عمل را شگفت‌انگیز یا خارق‌العاده می‌نامند در حالی که در زمان کنونی و برای انسان امروزی امری کاملاً عادی است.

حال سؤال این است که آیا با توجه به پیشرفت علمی بشر امروزی و یا در آینده، انجام برخی از معجزات انبیاء<sup>ع</sup> از حالت خارق‌العاده، به عملی کاملاً عادی و معمولی تبدیل نخواهد شد و حداقل (به صورت محدود) توسط دانشمندان طبیعی تکرار نخواهد شد؟ و اگر سخن برخی از بزرگان که انجام آن را برای بشر (در هر زمانی) غیرممکن می‌دانند (صرف‌نظر از دیگر شرایط اعجاز) آیا با انجام (و یا احتمال انجام) آن توسط دانشمندان امروزی یا آینده، نمی‌تواند موجبات تزلزل در اعتقادات برخی از افراد را فراهم آورد؟ از این‌رو با پاسخی براساس منطق خرد، به مواجهه با این‌گونه شباهات باید پرداخت تا در افق زمان، امور مشابه و یا تکرار معجزات پیشین، تزلزلی در باورها ایجاد نکند. (پاسخ به این پرسش و شباهاتی از این‌دست در قسمت بررسی مسئله، تبیین می‌شود.)

#### ۱.۵. ابعاد اعجازی قرآن

اعجاز در قرآن تنها به فصاحت و بلاغت متن آن منحصر نمی‌شود بلکه موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آنها را به عنوان اعجاز قرآن به شمار آورد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- فصاحت و بلاغت؛
- سبك و نظم خاص قرآن؛
- شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن؛
- معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امی؛
- قوانین محکم قرآن؛
- برهان‌های عالی قرآن؛
- خبرهای غیبی از گذشته و آینده؛
- اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی)؛
- استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن)؛
- ایجاد انقلاب اجتماعی؛
- عدم اختلاف در آن؛
- صرفه؛

- مجموعه همه موارد. (رضایی، ۱۳۸۱: ۷۶ - ۷۲؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۰۷ - ۹۸؛ پهلوان و چینی فروشان، ۱۳۹۱: ۶۵ - ۴۷؛ جهت بررسی بیشتر در خصوص قرآن و معجزات و ویژگی‌های آن می‌توان به خطبه‌های ۱، ۱۸، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۸۳ و ۱۹۸ از نهج البلاغه اشاره کرد.)

لازم به ذکر است که از سویی در اعجاز همه موارد (مجموعاً) یا برخی از آنها، میان علماء اختلاف نظر وجود دارد و البته بهترین دیدگاه آن است که ما، همه (غالب) موارد فوق را در هر آیه از آیات قرآنی جستجو کنیم زیرا منحصر کردن اعجاز قرآن در موردی مثل فصاحت و بلاغت با تحدی آن نسبت به همه انس و جن (اسراء / ۸۸) که غالباً با زبان عربی آشنایی ندارند بی‌معناست و یا عدم اختلاف در آن (نساء / ۸۲) و تبیین همه امور در آن و تحدی علمی (انعام / ۵۹؛ نحل / ۸۹). (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۰۷ - ۹۸؛ ر.ک: رضایی، ۱۳۸۱: ۷۷ - ۸۰) و از سویی دیگر با پیشرفت علوم تجربی و غیر آن، می‌توان در آینده، معجزات دیگری نیز برای قرآن، پیش‌بینی کرد (مانند برخی محاسبات ریاضی در تعداد کلمات و نوع رابطه آنها با یکدیگر در پژوهش‌های اخیر محققان). (ر.ک: هیتو، ۱۴۲۱: ۳۶ - ۳۳)

۱-۶. بررسی «مذهب صرفه» و «مذهب رایج» و مشهور در میان دانشمندان و متکلمان شیعی در بررسی تاریخی این دو مذهب (که در قسمت بعد توضیح می‌دهیم)، می‌توان گفت که «مذهب صرفه» (غالباً) مربوط به سده‌های اولیه بعد از دوران غیبت (و یا هم‌زمان با آن دوران) است که می‌توان به نظام معتزلی، ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی، سید مرتضی، ابواسحاق نصیبی، قطب الدین راوندی، خواجه نصیرالدین طوسی، علی بن عیسی رمانی، فخر رازی، ابن حزم و شیخ مفید اشاره کرد (میرمحمدی، ۱۳۷۰: ۵ - ۳) و از معاصران نیز می‌توان از راغب اصفهانی نام برد. (مؤدب، ۱۳۷۸: ۹)

در برابر این دیدگاه، نظریه دیگری قرار گرفته که مربوط به سده‌های بعد است به تعبیر دیگر، در آن دوران (تقريباً) جمله علمای اسلام، مذهب صرفه را (بی‌اشکال) پذیرفته‌اند اما دانشمندان، در سده‌های بعد، بهشت و بعضًا با تعابیری تند، این مذهب را باطل دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۷۳)

## ۱-۷. عجز وقوعی یا ذاتی

در بررسی دو مذهب فوق می‌توان گفت که عجز بشر از آوردن مانندی برای قرآن در «مذهب صرفه»، از نوع وقوعی است؛ به تعبیر دیگر، انسان‌ها ذاتاً (واز لحاظ توانایی ذهنی و عقلی) از آوردن مانند قرآن عاجز نبودند اما از زمانی که قرآن نازل شد، خداوند با تأثیر در اذهان بشر، آنها را از آوردن مانند آن منصرف کرد. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۶: ۲۷۰ - ۲۶۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۳؛ سید مرتضی، ۱۳۸۲: کل کتاب) اما مذهب مخالف، معتقد است که انسان‌ها قبل یا بعد از نزول قرآن، هیچ‌گاه نمی‌توانستند مانند آن را بیاورند و ذاتاً توان ذهنی و عقلی چنین

کاری را نداشته و از خلق چنین متنی عاجز بودند. برخی در رد مذهب صرفه گفته‌اند که: اولاً: تحدی مربوط به امری است که بشر قدرت درک آن را هم ندارد درحالی که انسان‌ها در صورتی می‌توانند با امری مقابله کنند که آن را فهم و ادراک کرده باشند:

قُلْ فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ، وَ ادْعُوا مَنْ مِنْ أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ، وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ. (یونس / ۳۸ - ۳۹)

بگو اگر راست می‌گویید یک سوره همانند آن بیاورید و هر کس را می‌توانید غیر از خدا [به یاری] بطلبید؛ [آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نمی‌کنند] بلکه آنها چیزی را تکذیب کردن که آگاهی از آن نداشتن و هنوز واقعیتش بر آنان روش نشده است.

ثانیاً: منظور این نیست که در قرآن اختلاف وجود دارد اما حق تعالی، قلوب را از آن منصرف نموده است بلکه قرآن ذاتاً دارای اختلاف در متن نیست:

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ، لَوْ جَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. (نساء / ۸۲)  
آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن بسیاری اختلاف می‌یافتد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۱ - ۱۱۰)

اما مسلم آن است که براساس هریک از دیدگاه‌های فوق، هیچ انسانی در هیچ زمان و مکانی (تا قیامت) امکان آوردن متنی مانند آن را ندارد و به تعبیر دیگر هر دو دیدگاه در عجز وقوعی (حداقل بعد از نزول قرآن) اتفاق نظر دارند.

#### ۱.۸. بررسی آیات تحدی

آیات تحدی در قرآن متعدد بوده و در سور مکی و مدنی قابل مشاهده است (همان: ۹۳) اما در سه دسته از آیات، سه سطح از تحدی بیان شده است.

۱. در آیات: ۴۹ سوره قصص: «قُلْ فَأَتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدِي مِنْهُمَا أَنَّبَعْثُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ بگو اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست) کتابی هدایت بخش تر از این دو بیاورید تا من از آن پیروی کنم». ۸۸ سوره اسراء: «قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْأَنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْءَانَ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِيَعْضُ ظَهِيرًا؛ بگو ای پیغمبر اگر چنانچه انس و جن جمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند هرگز نتوانند هرچند همه پشتیبان یکدیگر باشند». و ۳۴ سوره طور: «فَلَيَأْتُوا بِجَدِيدٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ پس اگر راست می‌گویید سخنی همانند آن بیاورید». تحدی به آوردن مانند قرآن (و کل آن) بیان شده است.
۲. در آیه ۱۳ سوره هود: «قُلْ فَأَتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مُّتْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛

بگو اگر راست می‌گویید شما هم ده سوره همانند سوره‌های دروغین بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید غیر از خدا (برای این کار دعوت کنید)». تحدی به آوردن ۱۰ سوره، همانند سور قرآن آمده است.  
۳. در آیات: ۲۳ سوره بقره: «فَأُثْوَرْأَ يَسُورَةٍ مِّنْ مُّثْلِهِ؛ يك سوره، همانند آن بیاورید». و ۳۸ سوره یونس: «فَأُثْوَرْأَ يَسُورَةٍ مُّثْلِهِ؛ يك سوره همانند آن بیاورید». تحدی به آوردن يك سوره، همانند سور قرآن بیان شده است. (برای توضیح بیشتر ر.ک: جواهری، ۱۳۹۵: ۱۱۵ - ۱۱۴)

البته در ترتیب نزول این آیات از لحاظ تاریخ نزول، اختلاف نظر است؛ برخی دانشمندان، ترتیب را تنزلی می‌دانند یعنی تحدی از کل قرآن به ده سوره و سپس به يك سوره تنزل پیداکرده است (و این تخفیف و تنزل در تحدی، بهدلیل عجز انسان از مرحله قبلی است)؛ اما مشهور آن است که پس از تحدی به کل قرآن (البته آن مقدار از قرآن که تا آن زمان نازل شده و یا به قول مشهور کل قرآن و شاید منظور، جنس قرآن است نه مقدار خاصی از آن)، ابتدا تحدی به يك سوره آمده و درنهایت تحدی به ده سوره نازل شده است و این ترتیب با تنزل و تخفیف ناسازگار است که در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت آیه‌ای که تحدی به يك سوره کرده، اولاً منظور، سوره بقره است و ثانیاً مقصود، سوره‌ای است که تمام ویژگی‌ها، شرایط و اعجازی که در نوع سور قرآنی مشاهده می‌شود در این سوره وجود داشته باشد؛ اما آیه‌ای که به ده سوره تحدی کرده است منظور، آوردن سوری است که هر کدام دارای برخی از ویژگی‌ها و اعجاز موجود در قرآن باشد (و اعجاز قرآنی در مجموع آن ده سوره یافت شود). (صبحایزدی، ۱۳۸۰: ۷۹ - ۸۰؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۷ / ۱ - ۹۸؛ بهجتپور و بهجتپور، ۱۳۹۴: ۱۲۱ / ۲)

اما نهایتاً می‌توان گفت که تقلیل تحدی از کل کتاب به يك سوره، نشان از آن دارد که گوینده و آورنده این اعجاز، اطمینان دارند که (با توجه به دائمی بودن این معجزه از لحاظ زمانی و مکانی) هیچ‌یک از افراد بشر امکان آوردن مانند آن را (حداقل از لحاظ وقوعی) ندارند.

#### ۱-۹. بررسی عقلی و ریاضی مسئله

در این قسمت که مهم‌ترین بخش مقاله بوده و در صدد بیان دیدگاه سومی در مقابل دو دیدگاه مشهور هستیم، براساس محاسبات ریاضی اثبات خواهیم کرد که تحدی قرآن از نوع امتناع وقوعی است اما نه براساس «مذهب صرفه» (که معتقد بود، خداوند، انسان را از آوردن مثل قرآن عاجز کرد) بلکه از آن جهت که تعداد جملات فصیح و بلیغ (و یا دارای دیگر موارد اعجاز) در کلام عرب، تنها همین مواردی است که در قرآن ذکر شده است و جمله فصیح و بلیغ و... دیگری در کلام عرب (در تراز قرآن) وجود ندارد که کسی بخواهد بیاورد.

#### ۲. بیان محاسبات ریاضی

در ابتدا تعداد لغات موجود در زبان عربی را در نظر می‌گیریم که هرچند در تعداد آنها اختلاف وجود دارد

اما بی تردید محدود هستند. جملات نیز (با هر تعداد کلمه در نظر گرفته شود) از ترکیب همین لغات محدود حاصل می شود که نتیجه، باز هم محدود خواهد بود:

تعداد کلمات در زبان عرب =  $k$

تعداد جملات یک کلمه‌ای =  $k \times k = k^2$

تعداد جملات دو کلمه‌ای =  $k \times k \times k = k^3$

تعداد جملات  $n$  کلمه‌ای =  $k \times k \times k \times \dots \times k = k^n$

تعداد کل جملات احتمالی در زبان عربی =  $k + k^2 + k^3 + \dots + k^n$

از حاصل جمع جملات (از یک کلمه‌ای تا  $n$  کلمه‌ای) تعداد تمام جملات احتمالی در زبان عرب به دست می آید که این جملات شامل تمام آیات قرآن نیز می شود و فرمول نهایی آن عبارت است از:

$$k + k^2 + k^3 + \dots + k^n = \frac{k^{n+1} - k}{k - 1}$$

(ر.ک: فروند، ۱۳۸۷: ۸)

بی تردید نتیجه حاصل شده از فرمول مذکور عددی بسیار بزرگ است اما باید توجه داشت که:  
اولاً: این عدد محدود است.

ثانیاً: شامل تمام جملات احتمالی که ساخت آن با کلمات عرب امکان پذیر است (از جمله آیات قرآن) می باشد.  
باید توجه داشت که این مجموعه از جملات، علاوه بر جملات معنادار و فصیح و بلیغ، تمامی جملات مهم‌م، بی معنا، عرفی، بدون فصاحت و بلاغت (در حد و اندازه قرآن) ... را نیز در بر می گیرد.

حال اگر صدھا قوانین صرف و نحو و نیز قواعد بلاغت را در مورد تعداد جملات مذکور در نظر گرفته و با استفاده از این قواعد، جملاتی که برخلاف آنها ساخته شده را کم کنیم، تعداد جملات به صورت چشمگیری کاهش می یابد و اگر از میان جملات باقیمانده، جملاتی که از لحاظ فصاحت و بلاغت و...، فاصله معنادار و زیادی با مابقی جملات داشته باشد را جدا کنیم بی تردید شاهد جملات قرآن در میان آنها خواهیم بود.

حتی می توان با استفاده از فرمول مذکور و در کنار هم قرار دادن جملات معنادار (براساس قانون احتمالات)، کتابهایی نیز به دست آورد که اگرچه تعداد آنها از تعداد جملات احتمالی، بسیار بیشتر است اما اولاً: (همانند جملات) محدود است و ثانیاً: یکی از کتابهای حاصله، بی تردید قرآن خواهد بود (دقیقاً با همین سور و آیات موجود در قرآن موجود).

براساس آنچه گفته شده اکنون می توان به این پرسش مهم پاسخ داد که چگونه است قرآن کریم در مقام تحدى، حتی به یک سوره هم اکتفا کرده است؟ و حتی (با توضیحی که در ذیل بدان اشاره می شود) می توان آن یک سوره را هم در حد یک آیه تقلیل داد. این اطمینانی که در خصوص تحدى در قرآن (آن

هم تا روز قیامت و با همراهی جن و انس) مشاهده می‌شود می‌تواند ناشی از آن باشد که اساساً جمله‌ای که بتوان آن را در قالب حتی یک آیه هم بیان کرد در این سطح از فصاحت و بلاغت و... وجود ندارد که جن و انس بخواهند آن را جستجو کنند؛ یعنی با تمام امکانات امروزی هم، چیزی فراتر از همین جملات موجود در قرآن (در کلام عرب) وجود ندارد تا بتوان با آن تحدی کرد.

به تعبیر دیگر تحدی قرآن نوعی کاشفیت (و خبر) است از اینکه تمام جملات فصیح و بلیغ و... که از مابقی جملات امکانی در کلام عرب، برتر است، در قرآن جمع شده و کلامی باقی نمانده تا بتوان با آن به تحدی با قرآن برخاست.

### ۳. شبیه‌سازی قرآن

در اینجا به ذکر چند پرسش و پاسخ در این خصوص می‌پردازیم:

۱. در تحدی قرآن از یک سوره هم نامبرده شده است که اگر کوچک‌ترین سوره قرآن یعنی کوثر را در نظر بگیریم که دارای ۴ آیه (با احتساب بسم الله...) است و بخواهیم چیزی شبیه آن بیاوریم می‌توان گفت: که آیه اول «بسم الله...» است و می‌توان آیه دوم و حتی سوم را هم (مانند سوره شوری) با حروف مقطعه جایگزین کنیم، لذا می‌توان تنها با یک آیه معنادار به تحدی علیه قرآن برخاست (البته قرآن از یک آیه به منظور تحدی استفاده نکرد زیرا می‌توان حروفی را به عنوان حروف مقطعه و به عنوان یک آیه در نظر گرفت و ادعای تحدی کرد)؛ و حتی اگر بخواهیم هر سه آیه را نیز با جملاتی محدود و چند کلمه‌ای ایجاد کنیم با استفاده از فرمول فوق، کاری بسیار آسان و سریع است.

۲. به صورت کلی می‌توان اعلام کرد که ما براساس فرمول فوق توانسته‌ایم به جملاتی عین قرآن و شبیه قرآن دست‌یابیم و این همان پاسخ به تحدی قرآن است.

پاسخ: پس از اثبات عقلی حق تعالی (در ذات و صفات) و اثبات نبوت عامله و پس از آن اثبات نبوت خاصه براساس معجزه (و یا دیگر دلایل اثبات شخص نبی) و اثبات شخص نبی به همراه مدعای او و اینکه از شرایط معجزه، ابطال اعمالی شبیه آن از سوی افراد متبنی و مدعی، توسط حق تعالی براساس «قانون لطف» به منظور جلوگیری از اغوا و انحراف عامله مردم است (زیرا در غیر این صورت شناخت نبی الهی از متبنی و به تبع آن انجام واجبات و ترک محramات برای بندگان غیرممکن خواهد بود)، (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۹۰ - ۲۹۹) و نیز اینکه معجزه‌ای مانند قرآن، دائمی و جاودانه است (و از سویی در آیات تحدی، به صرف آوردن شبیه سور قرآن اشاره شده و حدائق در برخی از آیات تحدی، ادعای نبوت را شرط ندانسته است) به این نتیجه می‌رسیم که: تعداد جملاتی که در عرب از اوج فصاحت و بلاغت و بلندی مفهوم و دارای بطون متعدد و... است تنها همین جملاتی است که از سوی حق تعالی (در یک لحظه) بر رسول الله ﷺ

نازل شده است: «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقُدْرِ؛ هُمَّا مَا أَنَّ (قُرْآن) رَا در شَبَّ قَدْرَ نَازِلَ كَرْدِيم». (قدر / ۱) و دیگر هیچ جمله‌ای در این حد و اندازه وجود ندارد که کسی بخواهد آن را با هر محاسبه ایجاد کند. حتی اگر دوران نبوت رسول اکرم ﷺ طولانی‌تر هم بود باز چیزی بر قُرْآن افزوده نمی‌شد زیرا براساس آیات ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ؛ هُمَّا آنِّچه رَا كَه رسول خدا بر شما می‌خواند قُرْآن کریم است؛ آن خوانده‌شده در کتاب محفوظ جای دارد». حقیقت قُرْآن امری مجرد و در لوح محفوظ است و امور مجرد (که فرتر از زمان و مکان‌اند) نه چیزی به آن اضافه می‌شود و نه کم می‌شود (زیرا کم و زیادشدن مربوط به عالم زمان است) و لوح محفوظ همان علم الهی است که مطلق و نامحدود بوده و نقص و کاستی یا حالت منتظره‌ای در آن نیست تا بخواهد جبران شود یا بدان برسد. بنابراین امتناع از آوردن چیزی شبیه قُرْآن امتناعی وقوعی است اما نه از سخن «مذهب صرفه» چراکه در این مذهب، امتناع به سبب انصراف و جلوگیری حق تعالی از آوردن شبیه قُرْآن با تصرف در اذهان بشر بود اما در این دیدگاه راه آوردن جملات بر بشر بسته نیست (و با یک نرمافزار ساده می‌توان به این مهم دست یافت) بلکه جمله‌ای در این سطح وجود ندارد که بخواهد در پاسخ به تحدى قُرْآن ارائه شود. به تعبیر دیگر هست و نمی‌شود آورد... .

۳. اشکالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر پیامبر اکرم ﷺ در این زمان مبعوث شده و قُرْآن (با وجود چنین نرمافزارهایی) می‌خواست تحدى کند (و یا اینکه چنین امکانی در زمان رسول الله ﷺ وجود داشت) آیا تحدى و به‌تبع آن اعجاز قُرْآن و نبوت ایشان، جملگی، ابطال نمی‌شد؟ و آیا این اشکال در مورد دیگر معجزات (حدائق برخی از معجزات) انبیاء الهی ﷺ (که در زمان خود امری خارق‌العاده بوده و امکان دارد که در آینده با پیشرفت علم، به‌آسانی توسط عموم انسان‌ها یا حدائق دانشمندان، صورت گیرد) نیز صادق است؟

پاسخ: اولاً: یکی از شرایط معجزه (آن گونه که در بالا ذکر شد) هم‌زمانی ادعای نبوت الهی با معجزه است و اگر کسی امری خارق‌العاده را بدون ادعای نبوت انجام دهد آن را معجزه نمی‌نامند اما اگر این ادعا با آن عمل همراه شود حق تعالی براساس قانون لطف از آن جلوگیری می‌کند؛ پس صرف انجام آن، ملاک تحدى نیست (البته این امر یعنی جلوگیری یا ابطال آن به منظور ممانعت عموم مردم از اغوا و فریب مدعيان، می‌تواند با مذهب صرفه توجیه شود).

ثانیاً: صرف نظر از شرط و قانون فوق‌الذکر، باید به این مسئله مهم توجه کنیم که به‌هرحال انبیاء ﷺ، در زمانی این معجزات و امور خارق‌العاده را انجام داده‌اند که هیچ امکان علمی برای تحقیق آنها نبوده است و خود آنها نیز به اذعان تاریخ و حتی مخالفان آن‌ها، هیچ آموزشی در این گونه امور نداشته‌اند. مثلاً فرعون

معترف بود که عمل موسی ع، معجزه الهی است: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ أَيَّاً ثُمَّا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ \* وَجَادُوا يَهَا وَأَسْتَيْقَنُتُهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا؛ وَ هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند این سحری است آشکار؛ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند درحالی که در دل به آن یقین داشتند پس بنگرید چگونه است عاقبت فسادکننده‌ها»؛ (نمل / ۱۴ - ۱۳) اگرچه در نزد عموم، ایشان را متهم به سحر می‌کرد: «قَالُوا إِنْ هَذَا لَسَاحِرٍ أَنْ يُبَدِّلَ كُلَّ شَيْءٍ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرٍ هُمَا وَ يَدْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلِيَّةِ؛ گفتند این دو مسلمان ساحرند می‌خواهند شما را با سحرشان از سرزمینتان بیرون کنند و آئین عالی شما را از بین ببرند»؛ (طه / ۶۳) و یا همه از جمله مخالفان، اذعان داشتند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و آله و آله فردی «امی» و درس ناخوانده بوده است: «وَ مَا كُنْتَ تَتَلَوَّ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُلُهُ يَعْمَلِنَكَ إِذَا لَأَرَتَابَ الْمُبْطَلُونَ؛ وَ تو ای پیغمبر هرگز قبل از این کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی بنابراین مبادا کسانی که در صدد ابطال سختان تو هستند شک و تردید کنند». (عنکبوت / ۴۸) و «فَأَمْوَالُهُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلَمَاتِهِ؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش آن پیامبر درس نخوانده‌ای که ایمان به خدا و کلامتش دارد». (اعراف / ۱۵۸) و آوردن جملاتی شبیه به آن (که اثبات علمی برخی از مطالب آن در عصر کنونی و براساس اکتشافات دانشمندان تجربی صورت گرفته است) در آن زمان و خصوصاً برای شخصی این چنین، غیرممکن بوده است.

ثالثاً: علاوه بر موارد پیش گفته، امروزه نیز با توجه به برخی شرایط اجتماعی و سیاسی و حضور اسلام در عرصه نظام سازی سیاسی و مدیریت نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، انگیزه مواجهه با قرآن همچنان وجود دارد حتی می‌توان گفت که این انگیزه در دوران معاصر نه تنها کاهش نیافرته بلکه بیشتر نیز شده است بنابراین علی‌رغم این انگیزه، در مقام وقوع، چنین چیزی رخ نداده است.

رابعاً: براساس آنچه گفته‌یم و نیز محاسباتی که بیان کردیم و با توجه به اینکه لغات بشری در هر زبانی (حتی اگر در طول زمان بر آن اضافه شود) محدود است و تحدی با قرآن نیز باید در قالب همان لغات و در همان زبان باشد: «قُلْ فَأُتُوا بِسُورَةٍ مُّثْلِيَةٍ؛ یک سوره همانند آن بیاورید»؛ (يونس / ۳۸) می‌توان گفت که تحدی با قرآن حتی در حد یک جمله و آیه نیز تا روز قیامت امکان وقوعی و حتی عقلی ندارد؛ لذا طول زمان و آمدورفت افراد حتی در بالاترین سطح از فصاحت و بلاغت هم نمی‌تواند ضرری بر این ادعا و تحدی وارد سازد و این اطمینان، از خواص استدلال‌های دقیق ریاضی است که منحصر در زمان و مکان و افراد نیست و خاصیتی است عقلی که تکویناً در آن قرار گرفته و به نظر می‌رسد اموری مانند بداء نیز در آن راه نداشته باشد، لذا با اطمینان خاطر می‌توان به آنها تمسک کرد.

خامساً: از آنجایی که قرآن تنها معجزه جاوید و در دسترس همگان است علاوه بر اثبات صدق مطالب خود، ادعای آورنده آن (نبوت او) و نیز گفتار و رفتار او را نیز اثبات می‌کند (عصمت) و از آنجایی که معجزات انبیا

سلف<sup>۲۳</sup> نیز در اختیار ما نبوده و حداکثر از طریق گزارش‌های تاریخی می‌توان آنها را محتمل دانست، می‌توان، با توجه به متن قرآن، با اطمینان، وجود آن انبیاء و معجزات آنها را به صورت قطعی پذیرفت و بدان اذعان نمود. به تعبیر دیگر می‌توان گفت تنها راهی که در این زمان می‌توان با استفاده از آن به وجود انبیاء<sup>۲۴</sup> و دستورات آنها و... اطمینان حاصل نمود، وجود قرآن، آن هم به صورت معجزه‌ای قطعی است به‌گونه‌ای که همگان یقین حاصل کنند که همان‌گونه که تاکنون مانند آن نیامده در آینده نیز (تا قیامت) کسی مانند آن را نمی‌تواند بیاورد و این مهم تنها با چنین استدلالات محکم و عقلی قابل توجیه است.

۴) ممکن است اشکال شود که شاید زبان عرب در آینده ارتقا یابد و بتوان جملاتی برتر از قرآن ایجاد کرد و یا اینکه زبان جدیدی به وجود آید که عبارت آن به مراتب قوی‌تر از قرآن باشد.

در پاسخ باید گفت علاوه بر مطالب فوق باید اضافه کنیم که:

اولاً: آن چنان که در طول تاریخ عرب پیداست این زبان روبه ضعف است نه قوت؛  
 ثانیاً: تحدي قرآن فقط به فصاحت و بلاغت نبوده تا با ارتقا زبان عرب یا با ایجاد زبان جدیدی در موضع ضعف قرار گیرد و مطالب علمی و... از اموری است که با هر زبانی هم بیان شود به چالش کشیده می‌شود؛  
 ثالثاً: همان‌گونه که گفتیم اعجاز یک امر باید در همان زمان و مکان خودش بررسی شود که آن همزمان رسول الله<sup>۲۵</sup> بوده؛ لذا در آن زمان و با آن زبان‌های موجود و آن موقعیت زبان عرب، کسی در معجزه بودن قرآن و به‌تبع آن رسالت ایشان تردید نداشت و اگر در زمان‌های بعد (به فرض محال) اتفاقی رخ دهد، ضرری به اعجاز قبلی نمی‌خورد و این در مورد اعجاز دیگر انبیاء<sup>۲۶</sup> نیز صادق است (هرچند ما در قسمت «اقسام معجزه» گفتیم که قرآن معجزه‌ای دائمی و ابدی است و این مهم علاوه بر فصاحت و بلاغت با اعجاز‌های علمی و... قابل اثبات است اما در اینجا صرفاً در صدد بیان این نکته هستیم که ثابت کنیم قرآن معجزه است).

### نتیجه

در این مقاله پس از بیان توضیحاتی در خصوص تعریف معجزه، شرایط، اقسام و... به تبیین دو مذهب مشهور در خصوص امتناع و عجز بشر از آوردن همانندی برای قرآن (و حداقل ۱۰ یا یک سوره) پرداختیم و نیز اینکه براساس «مذهب صرفه» (که دیدگاه مشهور متقدمان از علمای شیعی است) ناتوانی انسان، از نوع امتناع وقوعی بوده و سبب آن هم خود حق تعالی است که اذهان انسان‌ها را (تا قیامت) از آوردن متنی شبیه به قرآن منصرف کرد (که این انصراف مربوط به بعد از نزول قرآن است نه قبل از آن) و براساس مذهب مشهور، (که دیدگاه عموم علمای شیعه بعد از متقدمان تاکنون است)، عجز بشر، از نوع امتناع ذاتی است یعنی عقول انسانی ذاتاً نمی‌تواند چنین متنی را خلق کنند و این ربطی به قبل یا بعد از

نزول قرآن ندارد. اما در دیدگاهی دیگر (که براساس محاسبات ریاضی صورت گرفته و با نرمافزاری ساده امکان محاسبه دقیق آن امکان‌پذیر است) ثابت کردیم که با توجه به محدود بودن کلمات در زبان عربی و نیز وجود قواعد و قوانین فراوان صرفی و نحوی و نیز معانی و بیان و بلاغت و... و در نظر گرفتن مفاهیم عالیه و بلند، تعداد جملاتی که به عنوان آیه (و مجموعاً به عنوان سوره و نهایتاً قرآن) به‌دست می‌آید، بی‌تر دید محدود خواهد بود و از آنجایی که براساس فرمول مذکور، تمام جملات احتمالی و ممکن براساس کلمات موجود در زبان عرب، قابل احصا و دست‌یابی است، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تمامی آیات قرآن، در این مجموعه وجود دارد؛ ثانیاً هر جمله‌ای که احتمال می‌رود بتواند از لحاظ فصاحت و بلاغت و... تحدی قرآن را ابطال نماید در آن موجود است؛ اما از آنجاکه این متن اولاً در زمانی صادر شده که امکان چنین محاسبه‌ای نبوده و ثانیاً آورنده آن درس ناخوانده است و ثالثاً خدای تعالی براساس قانون لطف، هر امر خارق العاده‌ای را که آورنده آن، ادعای نبوت نیز داشته باشد ابطال می‌کند و رابعاً اثبات نبوت ایشان براساس دیگر معجزات؛ می‌توان نتیجه گرفت که قرآن به عنوان معجزه‌ای الهی است و تحدی آن (که بدون محدودیت زمانی و مکانی است) ثابت می‌کند که هیچ جمله‌ای در حد و اندازه قرآن در کلام عرب یافت نمی‌شود که بتوان آن را به منظور ابطال تحدی و ابطال معجزه استفاده نمود؛ به تعبیر دیگر تعداد جملات فصیح و بلیغ، با معانی بلند و... تنها همین آیات موجود در قرآن است. لذا امتناع از آوردن چیزی همانند سور قرآن، امتناعی وقوعی است (اما نه از باب انصراف اذهان یا قلوب توسط حق تعالی بلکه به جهت نبود جمله یا جملاتی در سطح آیات قرآن) و به تعبیر دیگر، تحدی قرآن، نوعی کاشفیت و خبر از عدم وجود جملاتی همانند و همتراز با متن قرآن است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. آمدی، سیف الدین، ۱۴۲۳ ق، *أبکار الأفکار فی أصول الدين*، تحقیق: محمد‌مهدی احمد، قاهره، دار الكتب.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطبعه و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۳. بسمل، مجید، ۱۳۸۳، «اعجاز عددی قرآن»، آموزش قرآن، شماره ۶، ص ۳۶ - ۳۳.
۴. بغدادی، عبدالقاهر، ۲۰۰۳ م، *أصول الإيمان*، محقق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۵. بهجت‌پور، عبدالکریم و زهرا بهجت‌پور، ۱۳۹۴، «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی»، *قبسات*، سال

بیستم، ص ۹۶ - ۶۷.

۶. پهلوان، منصور و چینی فروشان، ۱۳۹۱، «شکوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرمؤمنان علی ﷺ»، *پژوهشنامه علوی*، سال سوم، شماره ۱.
۷. جواهری، سید محمدحسن، ۱۳۹۵، «واکاوی ملاک تحدى در قرآن و نقد منطق تنزلي»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال ۲۱، شماره ۲، ص ۱۳۵ - ۱۱۰.
۸. رضایی، محمدعلی، ۱۳۸۱، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت، کتاب مبین.
۹. سبزواری، ملاهادی، ۱۳۸۳، *أسرار الحكم*، مصحح: کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی.
۱۰. سید مرتضی، ۱۳۸۲، *الموضحة عن جهة اعجاز القرآن*، مشهد، آستان قدس.
۱۱. شافعی، کمالالدین محمد، ۱۴۲۵ ق، *المسامرة شرح المسایرة فی العقائد المنجية فی الآخرة*، محقق: کمالالدین قاری؛ عزالدین معیمیش، بیروت، المکتبه العصریه.
۱۲. شریف ارضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ ق، *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علیمه قم، چاپ پنجم.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علیمه قم، چاپ پنجم.
۱۵. طوosi، محمدحسن، ۱۴۰۶ ق، *الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دارالا ضواء، چاپ دوم.
۱۶. فرونده، جان، ۱۳۸۷، *آمار ریاضی*، ترجمه محمدقاسم وحیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. محمدی، علی، ۱۳۷۸، *شرح کشف المراد*، قم، دارالفکر، چاپ چهارم.
۱۸. مصباحیزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *قرآن‌شناسی*، محقق: محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۱۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *أوائل المقالات في المذاهب والمخاترات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفید.
۲۰. مؤدب، سید رضا، ۱۳۷۸، «دیدگاه راغب اصفهانی در اعجاز قرآن و نقد آن»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره ۱، ص ۱۹ - ۶.
۲۱. میرمحمدی، ابوالفضل، ۱۳۷۰، «تحدى و صرفه»، *مجله مقالات و برسی‌ها*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. هیتو، محمدحسن، ۱۴۲۱ ق، *المعجزة القرآنية*، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.